

باززنده سازی و احیاء بافت تاریخی با نگاهی متأثر از آرایه های معماری شهری

معصومه امیری^۱، علی بنی اسدی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

معصومه امیری

Masooome.amiri1294@gmail.com

چکیده

بافت های تاریخی، مهمترین بخش های نواحی شهری امروزی را تشکیل می دهند، آنها انعکاس حضور زنده گذشته ای هستند که آنها را شکل داده است. این مکان های با اهمیت فرهنگی، غالباً احساسی عمیق از پیوند با گذشته و تجربه های زنده، فراهم می آورند و به مانند اسنادی تاریخی، به عنوان نمادهای محسوس هویت، واجد اهمیت می باشند. تحولات زندگی شهرنشینی چند دهه اخیر بافت های قدیمی را با مشکلات عدیده ای در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی تاسیسات و تجهیزات شهری و سایر امکانات شهری مواجه ساخته است که همه این عوامل دست به دست هم داده و زمینه مناسبی را برای فرسودگی این بافت های با ارزش و تاریخی فراهم نموده است. لذا موضوع احیاء و باززنده سازی شهرهای تاریخی اهمیت می یابد و تلاش برای حفاظت از آنها با برنامه مرمتی و احیاء به همراه اصول اجرایی مدون و روشهای اقدام مناسب، امری ضروری محسوب می شود. این امر چنانچه همراه با حفظ آرایه های مربوط به هر بافت تاریخی همراه شود، فرایند باززنده سازی این مناطق را موفق تر جلوه خواهد داد. در این پژوهش با بررسی انواع برخوردها با احیای بافت های تاریخی، به ارزیابی نقش مایه های معماری در این بافت ها پرداخته می شود. نتایج نشان می دهد که حفظ تک بناها و توجه صرفاً مقدس مآبانه به میراث کهن نیز نمی تواند پاسخگوی نیازهای زندگی امروز باشد. آنچه در این بین مهم است، وجود جریان زندگی است که با نیازهای منطقه ای و ویژگیها و آرایه های خاص خود بتواند در کالبدهای کهن اتفاق بیفتد

واژگان کلیدی: باززنده سازی، بافت تاریخی، آرایه ها، کالبدشهری

مقدمه

شهرها و فضاهای شهری به مثابه بسیاری از مصنوعات بشری و در اثر گذشت زمان شرایط و موقعیت های اقلیمی، اتفاقات و حوادث گوناگون دستخوش فرسودگی در کالبد و در برخی موارد عملکرد خود گشته اند. از اینرو توجه به نوسازی و باززنده سازی بافت های تاریخی یک شهر و به طور کلی دخالت در بافت قدیم همواره یکی از مسائل اساسی شهرهای تاریخی و شهرهایی که دارای هویت و روحیه خاص بوده اند، می باشد.

در یک قرن اخیر، مساله آثار و بناهای تاریخی و چگونگی برخورد با آنها در امر باززنده سازی و بخشیدن حیات دوباره به آنها به عنوان یادگارهای تاریخی یک مرز و بوم از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. از آنجا که برای هر اقدامی جهت باززنده سازی و بهره برداری متفاوت از بنا، ناگزیر به دخالت و ایجاد تغییر در بنای تاریخی می باشیم، طراحی داخلی در آن بنا متناسب با عملکرد جدید آن بسیار حائز اهمیت است. از اینرو بررسی چگونگی برخورد با موضوع، طراحی داخلی در باززنده سازی بنای تاریخی و حفظ ارزشهای آن، بعد از بیان مقدماتی از موارد مهمی است که می بایست، به طور دقیق مورد توجه قرار گیرند.

همچنین بافت های تاریخی جزء سرمایه های ملی کشور به شمار می آیند و حفظ و نگهداری این بافت ها و ارتقای کیفیت و قابلیت های آنها با اهداف خاص و آرایه های مخصوص بخود، می تواند سبب ارتقای سرمایه های ملی گردد. بنابراین با توجه به اینکه این بافت ها و کالبد و ساختار آنها در معرض تمهیدات بنیادی می باشد، لذا چاره اندیشی برای رفع مشکلات و تهدیدات آنها همراه با حفظ آرایه و نقش مایه های منحصر بفرد خود، از طریق تشخیص اصولی مسائل و چالش های پیش روی آنها امری ضروری است. این پژوهش که به روش به ارزیابی انواع برخورد با بافت های تاریخی و سپس نقش آرایه ها در معماری این بافت ها و احیای آنها پرداخته شده و به دلیل ماهیت پژوهش، مدارک و اطلاعات جمع آوری شده به روش کیفی و مطالعات کتابخانه ای به طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته و در تجزیه و تحلیل داده ها بیش از هر چیز از روشهای توصیفی و تحلیلی استفاده خواهد شد.

۱- باززنده سازی و احیاء بافت های تاریخی

امر مرمت و احیاء بافت های تاریخی به عنوان راهکاری مناسب جهت هر چه پویاتر کردن بخش های تاریخی شهری، مطرح می شود گرچه این امر، موضوعی است چند جانبه که می تواند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد. لذا در این مقاله سعی شده است به چهار نوع برخوردی که در راستای امر مرمت و احیاء بافت های تاریخی وجود دارد، پرداخته شود.

۱-۱- برخورد اول: نگاه موزه ای به بافت های تاریخی

این برخورد همراه با یک نگاه موزه ای است که صرفاً ناظر است به حفاظت فیزیکی محض و تنها کالبد است که به عنوان ارزش در یک بافت تاریخی شناخته شده است. در این نگاه فارغ از نیازمندیهای روز و دغدغه های ساکنین، می بایست تمامی نهادها و اجزای موجود در بافت های تاریخی در تمام سطوح به تمامی حفظ شوند و در صورت نیاز تحت امر مرمت قرار گیرند و ساکنین نیز ناگزیر به تحمل این شرایط می باشند. همانطور که گفته شد، افرادی چون لودوک، و راسکین از جمله نظریه پردازان امر مرمت هستند که هدف تئوری هایشان نگاه موزه ای نسبت به این مسئله می باشد (ترک زبان و همکاران، ۱۳۹۰).

۱-۲- برخورد دوم: استفاده مجدد و همخوان از ابنیه و فضاهای تاریخی

امروزه در سطح جهان، روش استفاده مجدد همخوان (Adoptive Reuse) یکی از مطرح ترین و مورد توجه ترین راهکارها و روشهای اجرایی مرمت ابنیه و بافت های تاریخی به شمار می آید. در این روش، همانگونه که از نام آن بر می آید، برخی از بناهای مناسب موجود در بافت جهت استقرار فعالیت های جدید، مورد شناسایی قرار می گیرند. به این ترتیب یک بنای تاریخی با حفظ کالبد قدیمی خود ضمن برخورداری از یک اقدام مرمتی، نقش و فعالیتی جدید را در خود می پذیرد. البته این نقش و فعالیت می بایست با ساختار کالبدی و فضایی بنای انتخاب شده مطابقت و همخوانی داشته باشد. برای مثال، تبدیل کاروانسراهای قدیمی به بازارچه، تبدیل خانه های بزرگ و خاندانی با تعداد اتاق های زیاد به مهمانپذیر، تبدیل حمام قدیمی به رستوران یا نمایشگاه، و... از جمله این مداخلات هستند. در این نوع نگاه فقط شئون کالبدی حفظ می گردد و آن هم صرفاً برای ایجاد یک زندگی بدون در نظر گرفتن ارزشهای اجتماعی. در این برخورد، کالبد به عنوان

نمادی از پوسته یک رفتار اجتماعی دیده نمی شود، تنها فضایی خواهد بود که قابلیت بازگشت به روزمرگی را داراست (ترک زبان و همکاران، ۱۳۹۰).

۳-۱- برخورد سوم: نوسازی های ساختمانی در بافت های تاریخی

این برخورد شامل دخالت های گسترده در غالب نوسازی های ساختمانی است که با انگیزه ایجاد جاذبه برای اقشار مختلف جامعه در ایجاد محل های سکونت در بافت های تاریخی صورت می پذیرد. در این نگاه به بافت های تاریخی به عنوان سطوح ذخیره شهری که با رونق امر ساخت و ساز به گردونه اقتصاد و زندگی شهر امروز وارد خواهند شد، نگاه می شود. عدم توجه به سرمایه های اجتماعی نهفته در بافت تاریخی، از نتایج چنین برخوردی می باشد چرا که به مرور و با توسعه چنین دیدگاهی، نهایتاً بافت تاریخی جز نام، هیچ گونه موجودیت کالبدی را شامل نخواهد شد. به تدریج سرمایه های کالبدی که نشانه ارزشهای اجتماعی جامعه بوده اند، از دست رفته و کلیه آثاری که شواهد میراث فرهنگی محسوب می شده اند، نابود خواهند شد (ترک زبان و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۱- برخورد چهارم: تقویت سرمایه های اجتماعی در بافت های تاریخی

در این برخورد، طرح های مرمت و احیاء بافت با نگاه تقویت سرمایه های اجتماعی تدوین می گردند و با شناسایی ظرفیت های اجتماعی عناصر کالبدی، احیاء آنها نه صرفاً به انگیزه رونق مراجعه به آنها بلکه با انگیزه احیاء سرمایه های اجتماعی موجود در آنها صورت می پذیرد. در این نگاه سعی می گردد ابتدا رفتارهای اجتماعی، سنت ها و مؤلفه های فرهنگی در محدوده بافت، شناسایی و سپس نیازمندیهای زندگی امروز در ارتباط با این سرمایه ها، تعریف شده و امر مرمت و احیاء با رویکرد باززنده سازی زندگی اجتماعی انجام پذیرد (قلی نژاد و همکاران، ۱۳۸۴).

۲- آرایه های معماری شهری در بافت تاریخی

بررسی های میدانی که توسط پژوهشگران، در زمینه شناسایی انواع آرایه ها و موتیف های تزئینی معماری شهری صورت گرفته است، نشان از آن دارد که آرایه های معماری شهری به نوبه خود دارای اجزای متعدد و متنوعی هستند که شناسایی آنها شرط لازم برای شروع هر گونه مداخله و اقدامی است. علاوه بر آنکه انواع مختلفی از آرایه ها در معماری فضاهای شهری قابل شمارش هستند، هر کدام از این انواع، دارای گونه های متنوعی می باشند که گونه شناسی^۱ هر دسته، خود می تواند موضوع پژوهش مجزایی باشد. این اجزا را بصورت فهرست وار می توان اینچنین دسته بندی نمود (محمودی نژاد، ۱۳۸۷):

۱-۱- آرایه های متعلق به کف

کفسازی معابر و فضاهای شهری و به عبارت کلی، عناصر معماری کف در فضاهای شهری، علاوه بر نقش عملکردی خاصی که دارا هستند می توانند با در بر گرفتن برخی الگوها و نقش مایه های تزئینی، جنبه هایی از زیبایی شناسی و کیفیت های محیطی را پدید آورند. از جمله این موارد می توان به انواع هندسه های آجرچینی، سنگ فرش و گل اندازهای سنگی و آجری که در معماری فضاهای شهری ایران معمول بوده اند اشاره نمود. هندسه و نقوش مورد استفاده در کفسازی، در ضمن زیبا نمودن سطوح کف، می توانند باعث جهت دادن به کف و تعریف محورهای ادراکی و همچنین، تقسیم عرصه های کف و تعریف نقاط مکث، حرکت و عطف در محوطه های معابر و فضاهای شهری گردند. هندسه و جزئیاتی که وابسته به دیگر عناصر سازنده کف و محوطه هستند از قبیل باغچه ها، حوض ها، آبنماها و مسیرهای حرکت آب نیز در شکل گیری معماری کف و محوطه فضاهای شهری، نقش بسزایی دارند که به نوبه خود دارای زیبایی و کارکردهای ویژه خود هستند (محمودی نژاد، ۱۳۸۷).

^۱ Typology



شکل ۱- کفسازی صورت گرفته در بافت قدیم محله جلفای اصفهان (محمودی نژاد، ۱۳۸۷)

۲-۲- آرایه های متعلق به معماری بدنه ها

بدنه‌ها در تعریف فضای شهری و شکل‌گیری کیفیت آن، نقش بارزتری نسبت به سایر اجزای سازنده فضای شهری دارند. همچنین با توجه به نوع ادراک فضای شهری و دیده شدن عناصر سازنده آن، بدنه‌ها بیش از سایر اجزا در معرض دید و ادراک توسط مخاطب قرار دارند. از این رو در فضاهای شهری کهن، آرایه‌ها و تزئینات به نحو چشم‌گیرتری در بدنه متمرکز گردیده‌اند و تنوع بیشتری یافته‌اند. این دسته از آرایه‌ها دارای زیردسته‌هایی مطابق ذیل هستند (محمودی نژاد، ۱۳۸۷):

- آزاره‌ها و پادامنه‌ها (سنگی، آجری، معقلی، کاشی و...)
- بدنه سازی‌ها، قاب بندی‌ها، تاق‌نماها، آرایه‌های روی بدنه (کاشیکاری، شمشه‌گیری و اندودکاری، معقلی و نقوش آجرکاری، شبکه چینی، مقرنس کاری، جزئیات سنگی و...)
- گوشه‌ها و نیش‌ها (آجرکاری، اندودکاری و...)
- رخ‌بام‌ها (آجری، سنگی، فلزی و...) و خطوط لبه‌بام‌ها (آجرچینی، شرفی چینی، شبکه چینی و...)



شکل ۲- کوچه سنگ تراشها (اصفهان) اجزای شکل دهنده به معماری جداره‌های فضای

شهری اعم از روزنه و بازشوها، سردر ورودی، خطوط ناظم، رخ‌بامها و... (محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۴۹)

۲-۳- اجزای ملحق به بدنه ها

علاوه بر اجزا و عناصری که بطور ذاتی جزء معماری بدنه‌های شهری بوده و بر هویت و کیفیت فضاهای شهری تأثیرگذارند، بخشی از موتیف‌های آرایه‌ای، در عناصری که به بدنه‌های معماری ملحق می‌گردند، شکل می‌گیرند. این دسته از عناصر افزون بر عملکرد ویژه خود و افزایش کارایی فضاهای معماری و شهری، موجب ارتقای سطح کیفی و زیبایی بدنه‌ها و فضاهای شهری نیز می‌گردند. از جمله این اجزا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- روزنه‌ها و بازشوها، درها، پنجره‌ها، نورگیرها.
- شبکه‌ها (فلزی، گچی، چوبی، آجری، کاشی و...).
- ناودانها (فلزی، آجری، سنگی، چوبی، کاشی) و سایر عناصر تأسیساتی.
- نورپردازی، چراغ‌ها و انواع منابع روشنایی بدنه‌ها.
- نرده‌ها و دست اندازها (چوبی، فلزی، آجری، کاشی و...).



شکل ۳- کوچه سنگ تراشها (اصفهان)، روزنه و بازشوها در معماری جداره ها (محمودی نژاد، ۱۳۸۷)

۳- الگوهای فضایی موثر در معماری فضاهای شهری

شاید این عناصر را نتوان در وهله نخست به عنوان آرایه‌ها معماری شهری به شمار آورد، لیکن غالباً علاوه بر نقش اولیه معماری خود بواسطه تمرکز پرداخت‌های معماری و آرایه‌ای و کیفیت تظاهر بیرونی آنها نوعی کارکرد تزئینی و کیفیت بخشی به فضاهای شهری نیز می‌یابند. خصوصاً آنکه بطور معمول در معماری گذشته، توجه به درون (درون‌گرایی)، به نحو ذاتی باعث سلب توجه ویژه به بیرون می‌گردد. اما در نقاطی هرچند محدود، تجلیات و تظاهر بیرونی معماری، زوایای چشم‌گیر و چشم نوازی را در اختیار بیننده قرار می‌دهد. از جمله این عناصر و فضاهای دارای نقش در معماری شهری می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره نمود: ایوان‌ها، بالکن‌ها، ستون‌دها، ورودی‌ها، سقاخانه‌ها... (فلامکی، ۱۳۸۰)



شکل ۴- سردر ورودی، رواق، ایوان و بالکن‌ها، در محله تاریخی جلفای اصفهان، عناصر معماری الگوهای فضایی تاثیرگذار در هویت معماری شهری و کیفیات فضای شهری (فلامکی، ۱۳۸۰)

۳-۱- المان های موثر و آرایه هلی متعلق به عناصر در معماری فضای شهری

در بافت های تاریخی شهرهای ما معمولاً عناصر و المانهایی وجود دارند که به گونه های مختلف، کیفیت معماری فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار می دهند. این اثرات ممکن است در خط آسمان، در نمای بلافصل و یا حتی در لایه های دورتر از بدنه بلافصل تحقق یابد. با توجه به اینکه عناصر یاد شده، در بیشتر موارد نقش نوعی عنصر شاخص شهری را نیز در برمی گیرند، بنابراین، معمولاً بسیاری از این عناصر و المانها، دارای آرایه ها و پرداخت های قابل توجهی هستند. از مصادیق عناصر و المانهای یاد شده می توان به این موارد اشاره نمود (فلامکی، ۱۳۸۰):

- ستون ها، سرستون ها و المانهای معماری بدنه.
- سقفها، پوشش بامها، ساباطها و تویزه ها (لنگه تاقها).
- بادگیرها و بادخان ها.
- کلاه فرنگی ها، خیشخان ها و گنبدخانه ها.
- دودکش ها و جامخانه ها.
- مأذنه ها، مناره ها، گلدسته ها و برخی برج های ساعت.

بدون شک باید اذعان نمود که عناصر دارای نقش آرایه ای مستقیم یا غیر مستقیم در معماری شهری بافت های تاریخی، محدود به موارد فوق نمی گردند. شاید در برخی موارد حتی تشخیص اینکه یک جزء، دارای نقش تزئینی و یا غیر تزئینی است، بسیار مشکل باشد. این امر از آنجا ناشی می گردد که اساساً در معماری سنتی، تقریباً بطور غالب، چیزی که دارای نقش صرفاً تزئینی باشد وجود ندارد. بلکه در این منظومه معماری و شهرسازی، هر نیاز و عملکردی به زیباترین شکل ممکن پاسخ داده می شود.

۴- تهدیدهای فرا روی آرایه های معماری شهری

اینکه بافت ها و فضاهای تاریخی شهرهای ما در معرض تهدیدهای فراوانی قرار دارند و در طی چند دهه گذشته دچار دگرگونی و استحاله عمیقی قرار گرفته و بخش های قابل توجهی از آنها، از میان رفته اند، مطلب تازه ای نیست. اگر در دوره معاصر، عوامل تهدید کننده بافت ها و فضاهای تاریخی شهرها را جستجو نمائیم همواره با عواملی نظیر آنچه در ادامه خواهد آمد، مواجه خواهیم بود؛ و شگفت آنکه این عوامل در دوره زمانی نسبتاً طولانی، همچنان در حال از میان بردن بافت های تاریخی و آثار موجود در آنها بوده و بی هیچ مانع جدی، چهره شهرهای تاریخی را دگرگون می کنند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۰).



شکل ۵- هسته تاریخی مهربادین در شهر مهریز، بافت ها، بناهای تاریخی و فضاهای شهری متعلق به آنها در چندین دهه متوالی مورد تهدید و در عین حال، بی مهری قرار داشته اند و این روند تا حدود زیادی در حال حاضر نیز تداوم خود را حفظ نموده است.

نگاه به بافت تاریخی و اجزای مرتبط با آن به عنوان موجودیتی زائد، مشکل زا و فاقد ارزش و نیز عدم درک عمومی درست از ارزش و اهمیت آن که با تغییر در ذائقه عمومی و نوعی روحیه خودباختگی نیز همراه بوده است. در این زمینه، معرفی بافت کهن به عنوان پدیده ای فرسوده و رو به ویرانی نیز بی تأثیر نبوده است. امروزه حتی در محاورات تخصصی نیز عباراتی از قبیل بافت قدیم^۲، بافت سنتی^۳، بافت ارزشمند^۴،

² Old Texture

³ Traditional Texture

⁴ Valuable Texture

بافت تاریخی^۵ و بافت فرسوده^۵، فراوان و به سادگی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند و این امر غالباً باعث نوعی تسریع و تعمیم احکام و رویه‌های بافت فرسوده به بافت‌های تاریخی گردیده و موجودیت آنها را به مخاطره انداخته است. این نگاه به تدریج در حال هضم و بلعیدن فضاهای اصیل شهرهای تاریخی ماست. تعریض معابر در مقیاس وسیع، بخش عمده‌ای از آرایه‌ها و الگوهای اصیل معماری فضاهای شهری را از میان برده و اصالت حضور و ادراک سواره، موضوعیت مقیاس پیاده و درک آرایه‌های متعلق به جداره‌ها را از میان برده است. فقدان رویه مشخص درباره ساخت و سازهای جدید در بافت‌های تاریخی که عمدتاً به تسریع در روند نابودی اجزای معماری شهری بافت‌های تاریخی منجر می‌گردد. در اثر این روند، شهرهای تاریخی در سطوح و مقیاسهای زیر در معرض تهدیدهای جدی قرار گرفته اند: نظام بافت و ساختارهای کلی و اساسی شهر، فضاهای شهری و مهم موتیفها، آرایه‌ها و نقش‌مایه‌های تزئینی معماری و المانها و آنعناصر شهری بخشی از موتیفهای معماری شهری در اثر مداخلات مربوط به سطوح کلان از بین رفته و یا در حال محو شدن هستند اما پاره‌ای از آنها نه به دلیل تغییرات وسیع بافت و فضاهای شهری، بلکه به دلیل تخریبها و یا تغییرات موضعی در ورطه نابودی قرار گرفته اند. نوسازی بدنه‌ها، بسیاری از تعمیرات و حتی پاره‌ای مرمتها، آسیبهای ناشی از عوامل مختلف طبیعی و انسانی، تعریض معابر، ساخت و سازهای جدید، ایجاد، تغییر و یا توسعه شبکه‌های تأسیسات زیربنایی و بسیاری عوامل دیگر در این زمینه، نقش چشمگیری داشته‌اند (شاه تیموری و همکاران، ۱۳۹۱).

شکل زیر بدنه‌های متعلق به دوره پهلوی؛ خیابان تربیت تبریز را نشان می‌دهد. آثار معماری شهری و تزئینات جداره‌های متعلق به آن در اثر کم توجهی و سهل انگاری، بتدریج در معرض فرسودگی و زوال قرار گرفته و دستخوش تغییرات نامناسب، خدشه در صورت اصیل خود می‌گردند تغییر مصالح، فرسودگی و ریختگی، تغییر در نوع و الگوی بازشوها و الحاقات نامتناسب از جمله این تغییرات خواهد بود (شاه تیموری و همکاران، ۱۳۹۱).

متأسفانه در اثر یک غفلت یا تغافل عمومی از دارائیهای فرهنگی و تاریخی و خصوصاً ثروت های شهرسازی و معماری شهری، آنچه امروز در برابر دیدگان ماست، بافت‌ها و مجموعه‌های از هم گسیخته‌ای است که با سرعت و شدت قابل توجهی در معرض زوال و نابودی قرار دارد. فقدان یک رویه همسو و مشترک در برخورد با این بافت‌ها و نیز ارائه پاسخ‌های شتاب زده به نیازها و اقتضات زندگی امروز، این روند را تسریع نموده و امید به اعاده سرمایه‌های از دست رفته یا رو به زوال را به تدریج به یأس مبدل می‌نماید.



شکل ۶- بدنه‌های متعلق به دوره پهلوی؛ خیابان تربیت تبریز (شاه تیموری و همکاران، ۱۳۹۱)

در این میان علاوه بر یک میراث بزرگ فرهنگی و شهر کلیت تمدنی و بخشهای درشت آن (بافت‌ها، محلات، ارسن‌ها و مراکز محلات)، اجزای کالبدی و فضایی شهر نیز دستخوش مداخلات و در بسیاری موارد، امحاء قرار گرفته و به تبع آن، معماری شهری و از جمله، آرایه‌های وابسته به آن نیز وضعیت رقت باری یافته‌اند. موارد زیر، بخشی کوچک از واقعیتی است که در شهرهای کشور در حال وقوع است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸):

- جمع آوری کفسازی‌ها و جایگزین نمودن آنها با آسفالت به عنوان یگانه کفپوش ممکن و متصور؛
- خدشه در ساختار اصیل هندسه و عناصر محوطه معابر و فضاهای شهری؛

⁵ Historical Texture

⁶ Old Texture (Common Meaning)

- تخریب، تغییر، نوسازی و بازسازی ناصحیح بدنه‌ها و جداره‌ها، خصوصاً با استفاده از الگوها و مصالح نامتناسب و ناهماهنگ؛
- بی‌مهری به معماری ورودیها (به عنوان یکی از نقاط عطف معماری شهری در عین حفظ درونگرایی دانه‌ها) و تخریب و استحاله بسیاری از آنها؛
- جایگزینی روزه‌ها و بازشوهای اصیل با نمونه‌های فلزی جدید با هدف ایجاد امنیت و یا حذف عناصر فرسوده قدیمی بدون توجه با سابقه هویتی و تاریخی آنها؛
- تخریب و یا در محاق قرار گرفتن عناصر و المانهای معماری و الگوهای ویژه فضایی تأثیرگذار در کیفیات معماری شهری؛



شکل ۷- سابط در کوچه سنگتراشها (اصفهان)، عناصر تاریخی معماری شهری توسط مستحدثات و تغییرات جدید، شدیداً در معرض تهدید قرار دارند. (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸)



شکل ۸- دورنمای بادگیر (خیابان قیام یزد)، عناصر تاریخی معماری شهری توسط مستحدثات و تغییرات جدید، شدیداً در معرض تهدید قرار دارند. (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸)



شکل ۹- دورنمای سردر ورودی و گنبدخانه مسجد جامع یزد، اجزای اصیل معماری شهری بافت‌های تاریخی، الهام‌بخش در ساماندهی این بافتها و نیز تعریف و شکل‌دهی به بافتها و فضاهای جدید شهری.

آرایه‌های معماری شهری، در عین کیفیت بخشی به فضاهای شهری، دربرگیرنده بخشی از فرهنگ، هویت و باورهای مردمان در هر دوره بوده‌اند و تجسم عینی پاسخ به نیاز و کارکرد در عین زیبایی از مفهوم مترقی هستند و بدین لحاظ واجد اهمیت و کیفیت آفرینی ارزش می‌باشند. در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف، همزمان با بافت‌های کهن، موتیف‌های آرایه‌ای معماری شهری نیز در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. با توجه به منحصر بفرد بودن و تجدیدنپذیر بودن آرایه‌های کهن معماری شهری و مفاهیم ورای آنها، نگاهداشت آنها به عنوان موارث فرهنگی، ضرورت دارد. یکی از راه‌های فائق آمدن بر مسأله بی‌هویتی، نازل بودن کیفیت‌های فضاهای شهری و فقدان مقیاس ادراک پیاده، احیا و بازآفرینی موتیف‌ها و نقش‌مایه‌های آرایه‌ای معماری شهری است که در این راه، امکان بهره‌گیری و اقتباس‌های ظریف و نغز از الگوهای مندرج در شهرهای تاریخی وجود دارد.

۵- نتیجه‌گیری

بافت‌های تاریخی، به دلیل جامعیتی که ناشی از محتوای اجتماعی و کالبدی آنهاست، بهترین دستمایه جهت پرداختن به تاریخ و دستاوردهای تاریخی بشر می‌باشند. بافت تاریخی تصویری است شکل یافته و زنده از واقعیات اجتماعی که در شیوه‌های گوناگون و به صورت لایه‌ها و قشرهای مختلف به زبان معمارانه در طول زمان بیان شده است. یک شهر بدون عناصر تاریخی اش که بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی آن می‌باشد همانند انسانی است که پس از گذشت سالیانی از عمر خود هیچ‌گونه خاطره‌ای را در ذهنش ترسیم نکرده باشد. بنابراین از آنجا که شهرهای تاریخی بعنوان کالبدهایی هستند که می‌توانند گره از ندانسته‌های فرهنگ تمدن‌های شهری گذشته مان بردارند و سنت‌های گذشته مان را به دست دنیای معاصر بسپارند، لذا موضوع ارتباط سنت با کالبدهای تاریخی از منظری جدید که همانا مرمت شهرهای تاریخی است، اهمیت می‌یابد و تلاش برای حفاظت از آنها با برنامه مرمتی و احیاء به همراه اصول اجرایی مدون و روشهای اقدام مناسب، امری ضروری محسوب می‌شود. امروزه نتایج حاصل از مطالعات و تجربه‌های بدست آمده در برخی موارد در دسترس، نشان می‌دهد که حفظ تک بناها و توجه صرفاً مقدس مآبانه به میراث کهن نیز نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای زندگی امروز باشد. آنچه در این بین مهم است، وجود جریان زندگی است که با نیازهای منطقه‌ای و ویژگیها و آرایه‌های خاص خود بتواند در کالبدهای کهن اتفاق بیفتد. همانطور که از نظر گذشت در این پژوهش به بررسی دیدگاههای احیاء و باززنده‌سازی برخی از بافت‌های تاریخی شهری و الگوها و آرایه‌های متأثر در معماری فضای شهری، پرداخته شد. با استناد به شواهد و نمونه‌ها، در حال حاضر از آثار موجود و برجای، حفاظت، ضروری‌ترین اقدام مانده از اجزای معماری بافت تاریخی شهری و موتیف‌های آرایه‌ای است. این امر می‌تواند در لایه‌های متنوعی اعم از، حمایت، حفظ و نگهداری، استحکام بخشی مرمت و ... صورت گیرد. به عوان راهکار و پیشنهاد علاوه بر مطالب اشاره شده، می‌توان اقدامات زیر را به‌منظور بهینه‌سازی احیای بافت تاریخی در نظر گرفت:

- ✓ در مرمت و باززنده سازی بافت تاریخی شهری، لازم است التفات ویژه‌ای نسبت به اهمیت عناصر و نقش مایه‌های آرایه‌ای و تزئینات شهری در بافت‌ها و جداره‌های تاریخی داشته باشد. بدین منظور پیشنهادات زیر می تواند حائز اهمیت باشد:
 - ✓ اهتمام به مستند سازی جزئیات معماری شهری به عنوان اطلاعاتی مهم و در عین حال کاربردی و قابل استفاده (هم در حوزه احیا و مرمت و هم در طراحی شهری)
 - ✓ توجه ویژه به حفاظت آثار تاریخی و بافت قدیمی معماری شهری به عنوان یکی از مهمترین عوامل کیفیت دهنده و هویت بخش فضاهای اصیل شهری در جهت حفظ هویت بافت‌های تاریخی؛
 - ✓ اقدام به ثبت ملی آثار معماری شهری و حتی برخی بخش‌های منحصر به فرد جزئیات مربوط به تزئینات و نقش مایه‌های مربوط به آن؛
 - ✓ توجه به نقش مایه‌های اصیل تزئینات معماری شهری در پروسه مرمت بافت‌های تاریخی و فضاهای شهری آنها و سعی در اقتباس الگوهای اصیل از آنها و احتراز از استفاده از الگوهای نامرتبط و نامأنوس با موتیف‌های اصیل موجود در بستر فضای شهری؛
- توصیه به استفاده و تعمیم آرایه های آثار تاریخی به عنوان سرمشق طراحی شهری در بافت‌های جدید بدون قصد تاریخی سازی ولی در عین حال، هویت‌بخشی و کیفیت زایی در بافت‌ها و فضاهای جدید شهری حتی با بکارگیری مواد و مصالح جدید

منابع و مراجع

- [۱] ترک زبان، ش. محمدمرادی، ا. ضوابط طراحی معماری در بافت های تاریخی، شهر و معماری بومی، شماره ۱، ۱۳۷۹
- [۲] حبیبی، س.م. مقصودی، م. «مرمت شهری (تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطعنامه های جهانی، روشها و اقدامات شهری)، دانشگاه تهران. ۱۳۹۰
- [۳] زبردست، ا. خلیلی، ا. دهقانی، م. مقاله کاربرد روش تحلیل عاملی در شناسایی بافت های فرسوده شهری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۸، شماره ۲. تابستان ۱۳۹۲
- [۴] یاری، ک. بیرانوند زاده؛ م. غبیزاده، ی. ابراهیمی، س. «بررسی و ارزیابی سیاست های بهسازی و نوسازی بافت های فرسود شهری» فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی شماره ۱ زمستان ۱۳۸۸
- [۵] شاه تیموری، ی. مظاهریان، ح. «رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۷، شماره ۴. تابستان ۱۳۹۱
- [۶] علیشاهی، م. «احیای بافت های تاریخی، صحنه نمایش سنت های تاریخی، ۱۳۸۴
- [۷] فلامکی، م.م، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- [۸] قدیری، ب. ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران. ۱۳۷۴
- [۹] قلی نژاد پیربازاری، ع. علیشاهی، م. مرمت شهری در بافت تاریخی شیراز"، مجله گزارش سازمان نظام مهندسی، سال چهارم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۴
- [۱۰] محمودی نژادی، ه. (۱۳۸۷)، "نظریه های توسعه کالبدی شهر"، تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها.